

بحران کومه‌له و بازسازی ناسیونالیسم کرد

منصور حکمت

۱۵ اوت ۲۰۰۰

اختلافات درونی کومه‌له به نقطه جوش رسیده است. پس از یک دوره طولانی پنهانکاری های سیاسی بیهوده و صدور اطلاعاتی های کلیشه ای در مورد توفیقات کنگره ها و مجامعی که اکنون معلوم میشود صحنه جر و بحث بوده و حتی نیمه کاره رها شده بوده اند، حال هر دو جناح سازمان رسماً دیگران را به مداخله در این کشمکش فراخوانده اند. ظاهراً در یک قدمی انشعاب قرار گرفته اند.

کاملاً روشن است که جناح مهتدی در فکر ایجاد یک گروه ناسیونالیستی جدید در کردستان ایران است. نوعی شاخه ایرانی اتحادیه میهنی و یا نسخه جدید حزب دموکرات. قطعاً توضیح این مساله صرفاً با دگردیسی سیاسی شخصی عبدالله مهتدی و بلوغ تمایلات ناسیونالیستی همیشه مشهود او ممکن نیست. سوال اینست که چه عاملی به ایده ایجاد یک آرایش جدید در ناسیونالیسم کرد در ایران میدان داده و طیفهایی از فعالین ناسیونالیست را با این هدف به جنب و جوش در آورده است. بنظر من فاکتور های اساسی عبارتند از:

- ضعف و تشتت حزب دموکرات و ناتوانی اش از اعمال یک رهبری منسجم بر گرایشات و محافل ناسیونالیستی کرد در ایران. این یک فضای خالی برای ناسیونالیستهای ناراضی و جاه طلب باقی گذاشته است. سازماندهی گروه های ناسیونالیست آلترناتیو در برابر حزب دموکرات در ابعاد دیگری در خود ایران نیز به ابتکار دوم خردادی ها آغاز شده است.

- پدیده دوم خرداد و تلاش محافل مختلف ناسیونالیسم کرد برای مرتبط شدن و بهره جستن از این پدیده در کردستان. تصور امکان یک ساخت و پاخت قریب الوقوع با دوم خرداد تحت پرچم نوعی هیات نمایندگی خلق کرد، عاملی است که آشکارا جریان مهتدی را به پیش میراند. مذاکره در قاموس اینها نهایت توفیق سیاسی و علامت "دولتمرد" شدن در کردستان است. اما در غیاب تعلق به یک سازمان سیاسی مدعی "رهبری جنبش ملی" که بدواً با مواضع رادیکال ضد دوم خردادی تسویه حساب کرده باشد و اصل مذاکره را مشروعیت داده باشد، حضور در چنین مجمعی برای اینها مقدور نخواهد بود.

- رشد سریع کمونیسم کارگری در کردستان. "کومه‌له" مورد نظر مهتدی و عناصر و محافل مختلف ناسیونالیست که در دوران کومه له کمونیست به حاشیه رانده شده و از تشکیلات خارج شدند (و اکنون راست ها با عنوان "طیف کومه‌له" به آنها رجوع میکنند) یک رسالت خود را دشمنی با کمونیسم کارگری در کردستان میدانند. اینها کومه‌له موجود را ابزار مناسبی برای این سیاست خصمانه تمام عیار نمی بینند. ابراهیم علیزاده و اکثریت کومه‌له موجود را "آلوده" به گرایشات "کمونیسم کارگری" اعلام کرده اند و به همین عنوان محکوم کرده اند. تکاپوی چند ساله مهتدی برای ایجاد یک هیستری علیه کمونیسم کارگری نهایتاً با پاسخی که آخرین هجویات و فحاشی های مهتدی از دهها نفر از بنیانگذاران و کادریهای قدیمی کومه‌له گرفت رسوا شد و به هیچ رسید. اما امر اجتماعی مقدس حضرات به قوت خود باقی است.

- وجود اتحادیه میهنی و "دولت" سلیمانیه بروشنی ایجاد یک سازمان برادر در ایران و تاسیس شعبه ایرانی این جریان را به یک امر مقدور و قابل اجرا بدل کرده است. مادام که اتحادیه میهنی در قدرت است و

دستش در جیب مردم کردستان عراق، یک سازمان ناسیونالیستی ایرانی برادر میتواند میتواند روی امکانات این جریان حساب باز کند. دیدنی است که چگونه جریان مهدی رسما توسط اتحادیه میهنی و جلال طالبانی به کنگره سازمان سیاسی "خود" فشار میاورد و باج و امتیاز تشکیلاتی و سیاسی طلب میکند.

یک لحظه نباید تردید کرد که جریان راست مهدی و شرکاء در درجه اول اسم "کومه له" را میخواهد. دنبال حفظ وحدت سازمانی با کسی نیست. این یک محاسبه گری ساده است. در نوشته "درباره دوره جدید فعالیت تحت نام کومه له" صریحا میگویند که استفاده از "سرمایه سیاسی" ای که تحت این نام فراهم شده است را مدنظر دارند. اما سازمانی بنام کومه له فی الحال وجود دارد. جریان مهدی حمایت این سازمان را ندارد. سیاست های رسمی این سازمان را نمیپذیرد. دو دهه تاریخ آن را تخطئه میکند، از حضور تاکنونی خود در آن اعلام ندامت کرده است، در رهبری آن حضور ندارد. در بدنه آن اقلیت کوچکی را تشکیل میدهد. با اینحال هیچیک از اینها مانع از این نیست که این جماعت برای گرفتن اسم کومه له هجوم ببرند. اسم کومه له را برای آن حضور بهم رساندن ها در مراجع و هیات ها، در رقابت با حزب دموکرات بر سر "رهبری جنبش ملی" و در تلاش براه اندازی یک هیستری ضدچپ در کردستان نیاز دارند. تلاش دهساله برای چرخاندن رسمی کل کومه له به چنین موضعی ظاهرا بی ثمر مانده است. ظاهرا حتی پس از جدایی کمونیسم کارگری و بعد از قریب ده سال هنوز سنت چپ در این سازمان آنقدر ریشه داشته است که مانع پیروزی این تعرض ناسیونالیستی بشود و مهدی و شرکاء را به یک اقلیت ضعیف تبدیل کند. این هجوم اخیر که به کمک اتحادیه میهنی و کل طیف ناسیونالیستهای بیرون کومه له ("دوستان حال و آینده" معروف مهدی) آغاز شده است آخرین تلاش این جریان برای غصب نام کومه له و دست اندازی به این "سرمایه های سیاسی" است.

این جماعت میدانند که جدایی از کومه له و استفاده از نام کومه له با هر پسوند دیگری، مادام که یک کومه له رسمی وجود دارد و بنا به پروسه های قانونی درون تشکیلاتی تحت این نام فعالیت میکنند، یک پروژه شکست خورده است. اگر بعنوان یک اقلیت ناگزیر به انشعاب شوند، هر اسمی روی خود بگذارند، مردم اینها را بعنوان "جماعت مهدی" و "کومه له طالبانی" خواهند شناخت. چیزی از آن "سرمایه سیاسی" گیرشان نمیاید. مسیر اینها ایجاد یک "خه بات" جدید وابسته به اتحادیه میهنی است که معلوم نیست چرا حزب دموکرات و نماینده ولی فقیه در کردستان باید تره برایش خرد کند. در نتیجه تلاش شدیدی را برای منحل کردن پروسه های انتخاباتی و اساسنامه ای سازمان و دور زدن رای اعضای آن آغاز کرده اند. میخواهند به هر قیمت خود را در مرکزیت این سازمان بچپانند. نمیخواهند پشت سر خود کومه له دیگری باقی بگذارند. اطلاعاتیه هایی که با نام "هیات رئیسه کنفرانس بازسازی" علیه کنگره صادر میشود و اتمام حجت های زمخت و وقیحانه ای که بروی کنگره پرتاب میشود، صحنه های یک گروگان گیری هوایی و رویدادهای اخیر در پارلمان فیجی را بیاد میاورد. طرح اینها معلوم است. مهم نیست به چه شکل بدرون رهبری کومه له راه می یابند. مهم اینست که چند ماه دیگر هنگام انشعاب، بخصوص وقتی بخشی از این "طیف کومه له" را برای سرشماری های بعدی به درون سازمان کشیدند، نام سازمان را با خود میبرند و طرف مقابل را مضمحل میکنند. تمام این ماجرا، پروژه غصب نام کومه له توسط جریان ناسیونالیستی و واپسگرایی است که از بیست و چند سال پیش علیه رشد و تکوین کمونیسم در این سازمان مقاومت میکرد و مدام در مراحل مختلف شکست میخورد و تقیه میکرد و می ماند. این عروج مجدد آنتی کمونیسم در کومه له است که همه کمونیستهایی که در این سالها حزب کمونیست ایران و کومه له را ساختند و راه بردند بخوبی ماهیت و ابعادش را میشناسند. هرنوع سازش تشکیلاتی کمیته مرکزی کومه له با این جریان، هرنوع تسلیم به مطالبات تشکیلاتی اینها، خدمت به اجرای این پروژه کودتاگرانه راست است. همه میدانند

که این بار اولشان نیست. علیه تشکیل حزب کمونیست، علیه رادیکالیسم کومه‌له پس از تشکیل حزب، علیه نوگرایی، علیه احقاق حقوق زنان در تشکیلات و مسلح کردن آنها، علیه مشی سیاسی و توده‌ای، علیه توجه به شهر و کارگر، علیه کنگره ششم کومه‌له، علیه کمونیسم کارگری و رهبری ما در حزب کمونیست و کومه‌له بارها تحریک و بسیج کردند و شکست خوردند. این دیگر تکاپوی آخرشان است. این جریان کوچکترین مشروعیتی در استفاده از نام کومه‌له ندارد و باید عمیقا بعنوان آنچه که هست، یعنی یک محفل ناسیونالیستی نوپا که قصد کودتا در کومه‌له و مصادره "سرمایه‌ها"ی آن را دارد، افشا بشود.

تسلیم به مطالبات تشکیلاتی اینها برای رهبری امروز کومه‌له اشتباه‌ترین سیاست ممکن است. باید از موازین و اصول اساسنامه‌ای تشکیلاتی دفاع کرد. نباید اجازه داد ترکیب کمیته مرکزی کومه‌له را جلال طالبانی و هیات بازسازی تعیین کنند. اما حتی همین نیز کافی نیست. صرف سنگربندی تشکیلاتی پاسخ مساله نیست. باید از نظر سیاسی افشاء و منزوی شوند. باید جایگاه اینها را در صحنه سیاسی کردستان نشان مردم داد و امیال و رویاهای عقب مانده شان را به مردم شناساند. باید حرف زد، نقد کرد، موضع گرفت. جریان راست خود هم اکنون با خطاب قرار دادن به آنچه "طیف کومه‌له" مینامد، با استفاده از فشار فوق تشکیلاتی اتحادیه میهنی علیه کنگره سازمان خود، با تلاش برای تعیین ترکیب ارگانهای رهبری این سازمان از طرق غیر اساسنامه‌ای با پلتیک و مانور و اعمال فشار سیاسی و حتی مادی، عملا اعلام کرده است که کومه‌له را یک سازمان منحل شده میدانند. طرح اینها روشن است. باید در مقابل آن ایستاد.

جریان راست در استمداد طلبیدن از "طیف کومه‌له" فراموش کرده است که بزرگترین و معتبرترین بخش فعالین تاریخ کومه‌له امروز در حزب کمونیست کارگری ایران متشکل است. این صف صدها تن از برجسته‌ترین بنیانگذاران و رهبران و کادرهای کمونیستی را در بر میگیرد که مقدم بر هرکس دیگر کومه‌له کمونیست را ساختند و آن "سرمایه سیاسی" که این عالیجنابان در صدد مصادره اش برآمده اند را بوجود آوردند. وقتی این کادرها، که اکثریت عظیم آن سازمان و نهادهای رهبری آن را تشکیل میدادند قریب دهسال قبل جدا شدند تا حزب کمونیست کارگری را بسازند، برخلاف اپورتونیستهای کاسبکار نهضت "بازسازی"، نام و تمام امکانات کومه‌له را برای رفقایایی گذاشتند که در آن سازمان میماندند. اما این میراث را برای مصادره و سوء استفاده مهتدی‌ها و طالبانی‌ها نگذاشتند و تاریخ آن دوران پرشکوه مبارزه کمونیستی را زیر تیغ ناسیونالیسم کرد رها نکردند. آری، شک نکنید، در این ماجرای اخیر سازندگان تاریخ کمونیستی کومه‌له حتما دخالت میکنند. حزب کمونیست کارگری مصمم است، مستقل از فعل و انفعالات داخلی کومه‌له و تصمیمات مقامات قانونی این سازمان، رویای ایجاد یک جریان ناسیونالیست، ضد کمونیست و دوم خردادی در کردستان تحت نام کومه‌له را نقش بر آب کند. عبدالله مهتدی، عمر ایلخانی زاده، جلال طالبانی و یارانشان مختارند هر سازمانی میخواهند بسازند و هر سیاستی میخواهند در پیش بگیرند. اما تاریخ کمونیستی کومه‌له و حزب کمونیست ایران قابل مصادره و بالا کشیدن نیست. سازندگان این تاریخ، در صحنه اند و چنین مجالی به ناسیونالیستهای تازه بدوران رسیده "هیات رئیسه کنفرانس بازسازی" نخواهند داد. حزب کمونیست کارگری و رهبران کمونیست جامعه کردستان که در این حزب متشکل اند، این پدیده را از هم اکنون عمیقا به مردم کردستان خواهند شناساند.

در هر حال مشی سیاسی‌ای که جریان مهتدی دنبال میکند، حتی اگر در این باج خوری تشکیلاتی موفق بشود، راه به جایی نمیرسد. اینها خبر ندارند که کردستان امروز چقدر رادیکال تر است. اینها خبر ندارند که مردم کردستان به ریش آلترناتیو دوم خردادی و طرحهای قیم مآبانه شیوخ ملی برای مردم میخندند. اینها جامعه امروز

کردستان را نمیشناسند. اینها ابعاد رسوخ کمونیسم کارگری در کردستان را نمیدانند. اینها حتی روندهای سیاسی سراسری در ایران را تشخیص نمیدهند. تمام پروژه "بازسازی"، حتی اگر مطابق نهایت رویاهای مهتدی و شرکاء پیش رود، پس از چند هفته چراغانی در برخی محافل ملی فراموش شده کرد در خارج کشور، به همان واقعیت پیش پا افتاده ای بدل میشود که هست. یک سازمان ملی کوچک، با شخصیت‌های درجه دومی که بازنده های مکرر روندهای سیاسی بیست ساله اخیر بوده اند و با همه همت و یاری همسایگان چند ده نفر بیشتر به گرد خود جمع نکرده اند تشکیل میشود تا سر سهمش در اردوی ناسیونالیسم با حزب دموکرات چانه بزند.